

استرداد مقصرین

۱- کلیات

تعریف

استرداد عبارتست از اعاده محکوم یا متهم بجرمی بوسیله يك دولتی بدولت دیگری که صلاحیت برای قضاوت و مجازات داشته باشد در صورتی که جنحه و جنایت در خارج مملکتی که از آن درخواست استرداد میشود اتفاق افتاده باشد.

آیا استرداد مقصرین برای دولتی که از آن تقاضای استرداد میشود اجباری است؟

برای جواب این سؤال باید بین دو مورد متمایز فرق قائل شد:

اول - هنگامی که بین دو کشور معاهده‌ای وجود ندارد.

دوم - وقتی که بین دو کشور معاهده استرداد مقصرین موجود است.

۱ - چون از نظر حقوق بین الملل استرداد مقصرین اساساً منوط و مربوط بحق حاکمیت و سیادت يك مملکتی است هر وقت که بین دو دولت معاهده استرداد وجود ندارد دولتی که تقاضای استرداد از آن میشود میتواند مقتضیات وقت نسبت برد یا قبول استرداد مقصر آرادانه اظهار نظر نماید بدون اینکه هیچیک از قوانین بین المللی را یا مال نموده باشد. عبارت دیگر هر وقت که معاهده مخصوص بین دو دولت موجود نباشد استرداد مقصرین اجباری نیست. بلکه منوط بمقتضیات و نظر دولت وقت است.

۲ - وقتی که معاهده استرداد بین دو کشور وجود داشته باشد در حدود مقررات و شرایط معاهده استرداد مقصر اجباری است زیرا دولت بر طبق حق حاکمیتی که دارد می تواند قرار دادی را امضاء و در نتیجه خود را ملزم به اجرای آن کند.

استرداد مقصرین مخالفین و موافقین چندی دارد. که نظریات هر دسته ذیلاً بطور اختصار نوشته میشود.

۱ - نظر مخالفین اول - بعضی از محققین اساساً مخالف استرداد مقصرین بوده و چنین استدلال میکنند: وقتی یک نفر از کشوری فرار کرده و بکشور دیگر پناه آورده از انصاف خارج است که او را گرفته و تسلیم نمایند. و مالک باید برای افراد بکدیگر يك ملجاء و پناهگاهی باشند این عقیده در واقع همان نتیجه فکر طرفداران Droit d'asil () است که امروز چندان طرفداری ندارد.

دوم - دسته دیگر میگویند مقصرین را نباید مسترد نمود زیرا هر دولتی باید حتی الامکان قوانین عملی خود را درباره مجرمینی که در خاک آن سکونت دارند اجرا نماید ولو اینکه شخص خارجی در خارج از آن کشور مرتکب عمل مستلزم مجازات شده باشد.

۲ - نظر موافقین قسمتی از مؤلفین و محققین استرداد مقصرین را برای تأمین عدالت و آسایش عمومی لازم میدانند منتهی هر کدام موافق سلیقه خود دلیلی میآورند که ذیلاً بعضی از آنها ذکر میشود.

اول - گرومیوس معتقد است کسی که مرتکب جنحه یا جنایتی میشود مکلف است یعنی اجبار قانونی دارد که خود را بقاضی صلاحیت دار معرفی نماید و لذا دولتی که بنفع آن این تکلیف و اجبار ایجاد شده می تواند وقتی مجرم از معرفی خود امتناع نموده و فرار کرد استرداد او را بخواهد.

دوم - از نظر عملی استرداد مجرم بدولتی که جرم در قلمرو آن واقع شده و نظم عمومی آن را مختل ساخته سزاوار است زیرا وسیله بازجوئی و باز پرس و استماع شهادت شهود و بالنتیجه کشف جرم آسان تر و بالاخره تأثیر مجازات که متنبه سایرین باشد در محل وقوع جرم بهتر و بیشتر است.

سوم - دولتی که مقصر در خاک آن پناهنده شده هیچ حقی نسبت بمجرم یا متهم ندارد چه متهم نقض هیچیک از قوانین آن کشور را نموده بالعکس دولتی که در قلمرو آن جرم واقع شده چون نمیتواند مجرم را در محل توقف فعلی او

این پروتکل خیلی مختصر و برای مدت دو سال تنظیم شده. مشروط باینکه هرگاه پس از دو سال هیچیک از طرفین آن را فسخ نکرد تا مدت دو سال دیگر از تاریخ انقضاء امتداد یابد و بنابراین در تاریخ خرداد ۱۳۱۱ مدت این قرارداد منقضی شده و اکنون هیچیک از طرفین الزامی با قرارداد مجرمین طرف دیگر ندارد.

II معاهده ایران و ترکیه

در پنجم نوامبر ۱۹۳۲ بین ایران و ترکیه راجع با قرارداد مقصرین مقاله نامه‌ای امضاء شد. و در تاریخ اردیبهشت ۱۳۱۶ مقاله نامه مزبور تبدیل به عهدنامه‌ای گردید با اسم عهدنامه قرارداد مقصرین و تعاون قضائی و جزائی *

آنچه بنظر ما میرسد دولت شاهنشاهی جز با این دو دولت با کشور دیگری معاهده استرداد مقصرین منعقد نکرده است با دولت همسایه دیگر یعنی عراق طبق طرحی که وزارت دادگستری تهیه نموده عمل استرداد مقصرین متقابلاً میشود ولی چون هنوز رسمیت ندارد و بصورت پیمان در نیامده از شرح آن صرف نظر میشود *

اما از لحاظ قوانین در کشور ما تا کنون قانونی در خصوص استرداد مقصرین وضع نگردیده - فقط در سنه ۱۳۱۰ قانونی راجع بمجرمین فراری مناطق سرحدی بتصویب رسیده که در آخر مقاله مورد بحث قرار خواهیم داد *

از آنچه فوقاً ذکر شد معلوم گردید که ایران معاهده استرداد مقصرین فقط با دولت ترکیه دارد و لذا مانیز بحث خود را منحصر بهمین معاهده و قانون مینمائیم :

ببررسی این معاهده میتوان شرایط و اصول و آثار قانونی استرداد مقصرین را بطریق ذیل بیان نمود.

اول شرایط

برای امکان استرداد مجرم یا متهم شرایط زیرین در معاهده پیش‌بینی شده موجود باشد :

- ۱ - کیفیت شرط معامله متقابل
- ۲ - عمل ارتكابی *
- ۳ - محل ارتكاب جرم *
- ۴ - ملیت متهم یا مجرم *

با تعقیب نمایان دولت محل توقف مجرم که در این مورد بابت دولت نقاضا کننده است دستگیری و استرداد حق دارد بخواهد.

چهارم - ولی امروزه غالب مؤلفین معتقدند که دلیل استرداد مقصرین همان دلیل و منشاء قانون مجازات است که تأمین و تعمیم عدالت باشد.

استرداد مقصرین در ایران

تاریخچه آن

ناموقی که کابیتولاسیون «حق قضاوت قونسولها» در ایران برقرار بود یعنی متجاوز از یکقرن (۱۹۲۸ - ۱۸۲۸) استرداد مقصرین در ایران موضوع نداشت

وجود کابیتولاسیون علاوه بر آنکه لطمه بزرگی باستقلال قضائی و شئون ملی ما میزد دلیل بر عدم اعتماد کشور های خارجی نسبت به محاکم ایران بود و حتی گمانیکه تبعه خارجه بوده و در خاک کشور ما مرتکب جنحه یا جنایتی میشدند محاکم جزائی ایران که حتماً صلاحیت رسیدگی آنرا داشتند در بعضی موارد نمیتوانستند رسیدگی نمایند و در سایر موارد هم بدون اطلاع و حضور قنصل یا نماینده آن قادر به تعقیب و رسیدگی نبودند.

بنابر این تا تاریخ الغاء کابیتولاسیون نه معاهده استرداد مقصرین بین ایران و کشورهای خارجی وجود داشت و نه قانونی در اینخصوص وضع شد تا اینکه در تاریخ (۱۰ مه ۱۹۲۸) در نتیجه مجاهدات شایان تقدیر اولیاء دولت شاهنشاهی و اصلاحات مهمی که در سازمان قضائی ایران شد حق قضاوت خارجیها از بین رفت و کلید سکنه ایران بطور متساوی قطع نظر از ملیت آنها تابع قوانین و محاکم ایرانی شدند و در واقع از این تاریخ ببعده است که بایستی مسئله استرداد مقصرین را مورد بحث قرار داد.

وضیعت کنونی

پس از بین رفتن حق قضاوت قونسولها - اول دولتی که راجع با استرداد مقصرین با دولت ایران قراردادی امضاء کرد دولت افغانستان است قرارداد ایران و افغانستان بصورت پروتکلی است که در تاریخ ۲۵ خرداد ۱۳۰۷ با امضاء رسیده است